

بوف کور سیاست!

اگر سرخوردگی‌ها و یاس‌های فلسفی به اندازه‌ای در «صادق هدایت» عمیق بود تا وی را تا آن درجه به صرافت بیاندارد که با صراحت «بوف کور» خود را این گونه آغاز کند که:

در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را آهسته و در انزوا می‌خورد و می‌تراشد.

اکنون نیز و به سنت «هدایت» می‌توان قهر ده روزه «محمود احمدی نژاد» طی فروردین ماه سال 90 را آن گونه توصیف کرد که:

در زندگی اشتباهاتی است غیر قابل جبران که نه امکان توجیه آن است و نه مفری برای گریزی از تبعات آن پیدا می‌شود!

احمدی نژاد هر اندازه در مصاف با هاشمی رفسنجانی از خود هوشمندی و زیرکی نشان داده بود اما ظاهراً این بار «شکارچی» خود اسیر تله اغواگر سیاست گردید و در یک بی‌مبالاتی محرز بزرگ‌ترین اشتباه سیاسی‌اش را مرتکب شد.

بلاتردید قهر ده روزه احمدی نژاد یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات سیاسی و تاریخی وی بود که به طرفه العینی فروغ ستاره اقبال وی در آسمان سیاست را مواجه با غروبی زود رس کرد. پیش‌تر متذکر این گوشزد شده بودم که:

احمدی نژاد و رفتارهایش بوضوح در تضادی آشکار با نظام و منافع ملی ایران قرار گرفته. بویژه بعد از قهر معنادارش بر سر تصریح رهبری نظام جهت ابقای وزیر اطلاعات، سکوت دو هفته‌ای وی و کابینه‌اش در قبال افزایش تصاعدی قیمت دلار و طلا در ایران، خطرناک‌ترین رفتاری بود که می‌شد از وی و وزرای تحت امرش انتظار داشت. (بخشی از مقاله بازی با منافع ملی)

همچنانکه بعد از آنی که احمدی نژاد با توهم «محبوبیت ذاتی‌اش نزد توده‌های جامعه» دست به اعتکاف ده روزه زد اما وقتی برخلاف توقع، خود را در کانون اقبال عمومی ندید تا مُریدانش میلیون‌ها میلیون در جستجوی رئیس‌جمهور محبوب‌شان خیابان‌نوردی کنند! بلافاصله سنسورهای سیاسی‌اش بفراس‌ت به ایشان فهماند که:

وضعیت وخیم است و در صورت ادامه این بازی مجبور خواهد شد حداقل‌ها را نیز از دست بدهد لذا هوشمندان و با ژست تصنعی «سرباز ولایت» بار دیگر به ساختمان پاستور بازگشت اما در پس‌ذهنش‌اش افقی دور دست را به نظاره نشسته بود:

کافی است تا انتخابات مجلس تحمل کنم و با تصویری که با «قهر خود» در افکار عمومی ساختم (رئیس‌جمهوری که توان مخالفت با رهبری را

دارد) و به برکت تجربه شیرین «توزیع سهام عدالت نزد اقشار فرودست» می توانم توامان صندلی های مجلس را بنفع سربازان خود فتح کرده و اقبال گسترده و میلیونی خود را به رُخ رقیب بکشانم! (بخشی از مقاله سرباز سرکش)

علی ایحال بعد از انتخابات مجلس نهم و ناکامی احمدی نژاد و عقبه سیاسی اش (جریان انحرافی) در فتح کرسی های مجلس، در کنار حذف غیر قابل کتمان وی از پرونده انرژی هسته ای و ناکامی در مدیریت موفق اقتصاد، همه شواهد و قرائن موید آن است که احمدی نژاد هوشمندانه اهتمام خود را طی یک سال باقیمانده از دوران ریاست جمهوری از طریق بازی کردن با کارت رهبری صرف باج گیری از نظام از طریق سرکشی و دهان کجی به نُرَم های سیاسی حاکم بر مناسبات قدرت در ایران خواهد کرد.

علی الظاهر محور بازی احمدی نژاد طی یک سال آتی به گروگان گرفتن رهبری نظام خواهد بود! رفتارهای معنادار احمدی نژاد اعم از پاسخگوئی نامتعارف وی در قبال سوال مجلس از خود و به مضحکه و شوخی و استهزا کشاندن و دست انداختن پارلمان، تا انتصاب های مسئله دار و هزینه زای افراد ناخوشنامی مانند سعید مرتضوی و ملک زاده و صدور امریه ژاژخواهانه علیه مجلس به زیر مجموعه دولت مبنی بر استنکاف از قوانین پارلمان، جملگی می تواند حاکی از رفتار از سر سیری احمدی نژاد بمنظور عصبانی کردن حریف و ترغیب ایشان به «زدن وی» بعد از ناکامی در انتخابات مجلس نهم باشد.

استقبال احمدی نژاد از گزیده شدن، زخم برداشتن و حتی قربانی شدن توسط رقیب ناظر بر فراست وی در بازبینی خطبه های نماز جمعه آیت الله خامنه ای در 29 خرداد سال 88 است. با توجه به حمایت تمام قد و شاید لازم التصریح آیت الله خامنه ای از احمدی نژاد در آن مقطع و در آن نماز جمعه اکنون که ستاره اقبال وی کم فروغ شده ایشان هوشمندانه در مقام خرج کردن و نقد کردن آن سرمایه برآمده! تحریک و تعمد احمدی نژاد در عصبانی کردن رقیب ناظر بر این برآیند است که به اعتبار صراحت رهبری در تائید وی در سال 88، هرگونه «زدن وی» در معادلات سیاسی بمعنای «زدن رهبری» نظام معنا خواهد شد.

احمدی نژاد هم به اندازه کافی شعور دارد که بداند سیستم برای تنبیه وی شاید تا مرز گوشمالی وی جلو برود اما به اعتبار نماز جمعه سال 88 و لزوم حفظ شان رهبری هرگز تن به جراحی رئیس جمهور از بدنه حکومت (در موقعیتی که مشارالیه مفتخر به تائید آنموقع آیت الله خامنه ای شده) نخواهد داد.

گذشته از آنکه بعد از ناکامی احمدی نژاد و عقبه اش در انتخابات

مجلس نهم از آنجا که وی از نظر روانی خود را در فرآیند بازی قدرت در فردای پایان دوران ریاست جمهوری، عنصری تمام شده می بیند لذا به «رفتارهای خودزنانه که منجر به اخراج اش از حاکمیت شود» نیز چندان بی تمایل نیست.

فی الواقع احمدی نژاد با زیرکی و باج خواهانه، سیستم را به یک دو راهی گریزناپذیر رسانده:

از طرفی به اعتبار تائید رهبری از خود، با رفتار و گفتار جسورانه سیستم را تحقیر و تسلیم به زیاده خواهی خود می کند همچنان که هم زمان بی تمایل نیست تا با گذراندن آستانه صبر سیستم و جراحی و حذفی «مظلوم نمایانه» خود را در قواره قهرمانی ملی که قربانی جنگ عدالت طلبانه اش با اغنیا شد در حافظه توده هائی که کماکان وی را «رابین هود» ضد اشراف فهم و اقبال کرده اند، تداعی معنا کند.

اما ظاهراً بازی احمدی نژاد برخوردار از شق سوم نیز هست و مشارالیه بر خلاف سنت سه سال گذشته که از حضور در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام استنکاف می ورزید، اینک و ناگهان همه خصومت ها و اشرافیت های رفتاری که پیش از این به هاشمی منسوب می کرد را به طاق نسیان کوبید و حاضر به شرکت در مجمع و نشستن خوش باشانه در کنار هاشمی شد!



این امر بدین معنا می تواند باشد که احمدی نژاد در بازی راند آخر خود، چندان هم بی تدبیر نیست و تصمیم گرفته در ژاژ خواهی مبارزه طلبانه اش با سیستم، جبهه هاشمی علیه خود را خاموش کند و شاید هم

به اعتبار دل چرکینی هاشمی از خطبه های نماز جمعه خرداد 88 و از دست دادن استحکامات اش در نظام اکنون بتواند با این رقیب پیشین به یک وحدت ولو موقتی در نبرد با قدرت فائقه برسد. وحدتی که معلوم نیست با اقبال هاشمی مواجه شود و در صورت اقبال هاشمی نیز معلوم نیست در فردای ظفرمندی مفروض در هنگامه تقسیم کیک قدرت باز این هاشمی باشد که مانند سال 84 و 88 به احمدی نژاد ببازد.

علی ایحال صرف نظر از اقبال یا عدم اقبال هاشمی به احمدی نژاد و با در نظر گرفتن این فرضیه که هاشمی نیز به اندازه کافی زیرک هست تا بتواند یا بخواهد با بازی کردن با کارت احمدی نژاد و ترساندن سیستم از «احتمال حصول چنان وحدتی بین خود و احمدی نژاد» امتیازهای مقتضی را از سیستم مطالبه کند اما در یک نکته نمی توان تردید کرد و آن این که تا اینجای کار احمدی نژاد موفق به تحمیل رویکرد باج خواهانه و متمدانه خود به سیستم شده و علی القاعده پایوران حکومت در ایران چاره ای ندارند تا یک سال باقیمانده دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد را بمنظور انتقال بدون هزینه و جراحی قدرت، خویشتن دارانه و از طریق ایزولاسیون احمدی نژاد، مشارالیه را تحمل کنند.

بازی با منافع ملی

http://sokhand.blogspot.com/2012/01/blog-post_25.html

سرباز سرکش

http://sokhand.blogspot.com/2011/06/blog-post_19.html